میزان در شارحیت و صارفیت یک روایت در برابر روایات مستفیضه

میخواستم این سؤال را مطرح کنم تا روی آن تأمل کنید. روایات مستفیضه‌ای داریم که شیخ انصاری و دیگران فرمودند «یوم وقوف له» یعنی همان بادی النظری که گفتند؟ یعنی می‌فهمد که واقعاً ماه مبارک را روزه گرفته و واقعاً مأموراً به بوده، بعد مرحوم شیخ فرمودند معارض است، چون در روایت دیگر داریم «بتفضل من الله». غیر از بحث‌هایی که شد، یک سؤال این است: جناب شیخ چه کار کردند؟ فرمودند ما روایات مستفیضه داریم اما روایتی که با کلمه «تفضل من الله» هست، شارح شده تا روایاتی که می‌گویند «یوم وقوف له»، یعنی «بتفضل من الله». و لذا خود شیخ همه این تفضل را در همه جا آورده‌اند. سؤال ما این است: اگر روایات مستفیضه‌ای باشد و یک روایت شارح همه این‌ها باشد، از نظر ضوابط کلاس فقه مشکلی داریم یا نداریم؟

اگر از روایات مستفیضه در ذهن عرف عام، یک معنایی منقدح نمی‌شود، خیلی خوب است. یک روایت است، حتی ضعیف السند هم باشد، اما بتواند شرح خوبی بدهد، حتی برای هزاران روایت، این خیلی خوب است. یعنی عرف هم بعد از اینکه آن را می‌بینند، می‌گوید خوب شد، دارد توضیح می‌دهد. اما اگر یک روایت مستفیضه‌ای دست افراد زیادی داریم، از آن یک استظهار عرفی دارند، بادی النظری دارند -همانی که خود شیخ قبول کردند- در اینجا طبق ضوابط فقه، شارحیت آن حدیث برای روایات، شارحیت است یا صارفیت؟ کدام یک از آن‌ها است؟ صارفیت است. یعنی در روایات مستفیضه یک ظهور عرفی شکل می‌گیرد و شما می‌خواهید با یک کلمه تفضل در روایات سماعه، آن ظهور را صرف کنید. آیا اینجا طبق ضوابط استظهارات هست؟ شارحیت یک حدیث برای روایات خیلی خوب است اما شارحیت با صارفیت خیلی فرق می‌کند. روی این تأمل بکنید.

شاگرد: آقای زنجانی قبول نمی‌کنند. می‌گوید آن نمی‌تواند صرف بدهد.

استاد: در کلی بحث؟

شاگرد: بله

استاد: در خصوص اینجا حرفی دارند؟

شاگرد: نمی‌دانم.

استاد: بله، همین است. لذا عرض من این بود که این یک چیز دیگری غیر از مسأله احتیاط است. اشکالی که به نظرم در فرمایش شیخ، سنگین بود، این بود که به این نحوی که شما می‌گویید، اصلاً احتیاط تمام می‌شود. دیگر صدق احتیاط ممکن نیست. این هم یک نکته دیگری است. شما

می‌خواهید با این جمع برای روایات مستفیضه صارف درست کنید. نه شارح؛ یعنی با این جمع بگویید منظور از تفضل این است که در روایات مستفیضه باید بادی النظر را برگردانید. حال این بادی النظر، حال صرف است. آیا ممکن است یا نه؟

شاگرد: این حرف را می‌توان در عام و خاص، تقیدی و اطلاق هم زد؟

استاد: بله، این را گفته‌اند. در اصول هم مطرح است. مثلاً اطلاقاتی باشد که نتواند تقیدی را در آن مرحله انجام بدهد. فروعاتش هم در فقه هست و هم در اصول.

شاگرد: اینکه فرمودید شارع ماهیت مخترعه دارد، مثلاً چند رکعت را کنار هم می‌گذاریم و ... ، این نیت و ترتیب و اینکه این قبل از نماز است آن هم جزء آن ماهیت می‌آید؟

استاد: بله، ترتیب مهم است. حضرت فرمودند «اذا زالت الشمس دخل وقت الصلاتین»؛ الصلاتین، دو ماهیت است. یعنی صلاة الظهر و العصر. الا ان هذه قبل هذه. قبلیت یکی از چیزهایی است که این قوام و این تعدد ماهیت را به‌عنوان طبیعت بعدیت و قبلیت شکل می‌دهد. مثل «زید» که عرض کردم، طبیعت «زاء» به‌عنوان قبل از «یاء» است که طبیعی ترتیب مقوم زید است.

شاگرد: این مصحح این است که این‌ها دو ماهیت می‌شوند.

استاد: ماهیت به‌معنای اینکه این‌ها دو نوع هستند؟ دو طبیعی می‌شوند. فعلاً استدلال ما این را رسانده که این‌ها دو طبیعی هستند. ما در این مشکلی نداریم. اما دو طبیعی هستند به این معنا است که یعنی دو نوع هستند (با آن نوع‌هایی هم که ما از تکوین سراغ داریم)؟ آیا به این صورت است یا نه؟ باید بررسی‌م. آن یک بحث خیلی غامضی است. به فرمایشات مرحوم حاج آقا رضا و مرحوم شیخ نیاز دارد. اگر همه را ببینید همه این بحث‌های این بزرگوارها کمک می‌کند.

> 53:44

شاگرد۲: دلیل مرحوم شیخ این بود که «ما ینوی لم یقع و ما وقع لم ینو»، در آن فرض دومی که من جازم هستم و برای ماه مبارک نیت می‌کنم، پس واقع شده است. لذا باید بگویی‌م «ما وقع ینوی و ما ینوی وقع». در اینجا مشکلش چیست؟ چرا قبول نمی‌کنند؟

استاد: شیخ می‌گویند چون تردید داریم نیتی نبود.

شاگرد۲: من نیت جازم می‌کنم که به نیت ماه مبارک می‌گیرم، اتفاقا واقع هم می‌شود. خب الآن اینجا چرا قبول نمی‌کنند؟

استاد: در اینجا می‌فرمایند که نص داریم. حضرت می‌فرمایند وقتی به این صورت روزه بگیرد، قضاء و ان کان کذلک. در مقام جمع می‌گویند قضاء، یعنی «نوی انه من شهر رمضان»، در روایت ابن مسلم خلاف سنت هم بود، لذا نهی هست. به این خاطر است.

شاگرد: مویدِ فرمایش شما عرض می‌کنم که فرمایش شیخ کلیت ندارد و قاعده کلی نیست. و الا باید همه جا با تعبد برگزار کنیم. فرمایش شما هم مطابق قاعده است و هم مطابق ارتکاز است ولی فرمایش شیخ مرتب تعبدی می‌شود.

استاد: یعنی طبق فرمایش شیخ... .

شاگرد: قاعده درست است اما چرا قبول نمی‌کنند؟ چون نص داریم.

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #1
ایجاد شده 24 مه 2026 12:37:02 توسط ... .
به روزرسانی شده 24 مه 2026 12:38:24 توسط ... .